دریچه

اقدام لازم پس از مفقودی کارت‌های پایان خدمت

● **ایرنا:** جانشین رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا گفت: افـرادی که کارت هوشـمند پایـان خدمت یا معافیت خود را گم کرده‌اند یـا به دلیل تغییر آدرس محل سکونت، دریافت نکرده‌اند، می‌توانند با مراجعه به دفاتر پلیس +۱۰ اعلام درخواسـت ارسـال مجدد کنند.سـردار رحمان علیدوسـت افزود: افـرادی که کارت هوشـمند پایان خدمت یا معافیت آنها گم شده یا به دلیل تغییر آدرس محل سـکونت، کارت خود را دریافت نکرده‌اند، می‌توانند درخواسـت ارسال مجدد کارت خود را از طریق یکی از دفاتر خدمات الکترونیک انتظامـی (پلیس+۱۰) ثبت کنند.او بـا بیان اینکه این فرایند صرفه‌جویی در وقـت و هزینه متقاضیان را به همراه داشـته، گفـت: درصورتی‌کـه اطلاعات کارت هوشـمند پایان خدمت یا معافیت متقاضی در بانک اطلاعاتی سازمان وظیفه عمومی موجود باشد، کاربر دفاتر پلیس+۱۰ درخواسـت ارسـال مجدد کارت را با نشانی محل سکونت جدید برای متقاضی ثبت می‌کند. علیدوسـت اضافه کرد: مشمولان و خانواده‌های آنها برای کسب اطلاعات بیشـتر می‌توانند از طریق پایگاه اطلاع‌رسـانی سازمان به نشـانی www.vazifeh.po-lice.ir، سـامانه تلفن گویا به شماره ۰۹۶۴۸۰ یا کانال سازمان در پیام‌رسان سروش به نشانی khabaresar-bazi@ از آخرین اخبار مربوطه مطلع شوند.

کاهش ۳۶ درصدی ازدواج در کشور

● **ایسـنا:** مرکز آمـار ایـران در گزارشـی تفصیلی به بررسـی وضعیـت شـاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعـی از سـال ۱۳۹۰ تاکنـون پرداخته که در بخشـی از این گزارش در سرفصل جمعیت و نیروی انسـانی آماری از وضعیت ازدواج و طلاق ثبت‌شده در کشور از سـال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ ارائه شده است. این گزارش نشـان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در این سـال‌ها از ۱۶.۳ به ۳۲.۹ افزایش داشـته اسـت کـه روندی افزایشـی طی کرده ولی در سـال ۱۳۹۸ در بالاتریـن نقطه در ایـن دوره یعنی ۳۳ درصد قرار می‌گیرد ولی در سال گذشـته ۰.۱ درصد کاهش پیدا کرده اسـت. جزئیات دیگری از این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ مجموع ازدواج ثبت‌شده ۸۷۴ هزار و ۷۰۲ نفر بوده که در سال ۱۳۹۹ به ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ نفر کاهش یافته است. در این بازه زمانی روند ازدواج عمدتا کاهشی بوده اما در سال ۱۳۹۵ اندکی افزایش ازدواج ثبت‌شده و از حدود ۶۸۵ هزار و ۳۵۲ به ۷۰۴ هزار و ۷۱۶ نفر می‌رسد ولی در سال بعد با افت حدود صدهزار نفری مواجه می‌شود.

ادامه از صفحه ۶

مجموعه‌داری پایه گسترش اقتدار فرهنگی و اقتصادی

نکتـه تأسـف‌بار ایـن اسـت که بسـیاری از مجموعـه‌داران ایرانی خارج از کشـور هم کمتر در پـی حمایت از هنر ملی خود هسـتند. این در حالی اسـت که هم بـه لحاظ کیفیـت و هم به لحـاظ تعدد و ارائـه تنوع در ژانرهـای مختلف هنرمندان ایرانی در فضای هنر خاورمیانه پیشگام هسـتند. کافی اسـت به آمارهای دانشکده‌های هنری کشور مراجعه شود و سرمایه‌گذاری دولت در این حیطه را در ۳۰ سـال گذشته بررسی کنیم. مهم‌ترین نکته در آسیب‌شناسـی این مسـئله را باید عدم شـکل‌گیری حمایت نهادهای دولتی و تولید سـاختارهای نظام‌مند بـرای خریدوفروش آثار هنری دانسـت که مجموعه‌داران را نسبت به ایـن روند مأیوس می‌کند. حتی در حیطه تولیدات صنایع دسـتی باید توجه داشـت کـه کیفیت و خلاقیت تنها با تشـویق هنرمندان بـه نوآوری و اتصال زیبایی‌شناسـی هنر معاصر به این تولیدات باعث رونق و جذب خریداران می‌شود؛ در غیر این صورت شاهد همان روندی خواهیم بود که برای فرش ایرانی رخ داد.

توجـه به این نکته ضروری اسـت که بازار هر محصول به دلیـل ایجاد و پاسـخ‌گویی نیازهای خریداران در بازارهـا رونق می‌گیرد و محصولات هنری دارای نظام ارزش‌گذاری اعتباری هسـتند، در صـورت بداعـت قیمت‌گـذاری اثـر هنری با اعتباربخشـیدن مجموعـه‌داران ارزش‌افزوده‌ای چندبرابر قیمـت اولیه پیدا کـرده و در بازارهای ثانویه چرخش مالی گسترده‌ای را به وجود آورده تا درمانی بر رکود اقتصادی باشند.

مجموعـه‌داران بـا تجمیـع آثـار و تولیـد مفاهیم نظری برای آن، تعدادی شـیء سـاده را بـه مجموعه ارزشـمندی تبدیـل می‌کنند که به لحـاظ ارزش اقتصـادی، مطالعاتـی و فرهنگی چندین برابـر قیمت کل مجموعـه ارزش‌گذاری می‌شود. بسیاری از این مجموعه‌داران تمایلی به فروش این مجموعه‌هـا ندارند و نگران پراکندگی مجموعه خود هسـتند؛ در نتیجه تمایل به ایجاد موزه و ماندگاری مجموعه خود دارند تا سـرمایه فرهنگی و اعتباری خود را حفظ کنند.

بی‌توجهی به ارائه نشـانه‌های تشویقی برای مجموعـه‌داران اثـر هنـری باعث رشـد فرایند واسطه‌گری و تبدیل آنان به واسطه‌های اثر هنری می‌شـود که فضایی منفعت‌طلـب و ویترینی در حوزه هنر را گسترش می‌دهند.

گفت‌وگوی «شرق» با مادرانی که کودکی نکردند

کودک همسری متوقف نشد، کودک‌مادری جایش را گرفت

نوزادان حاصل از ازدواج‌های غیررسمی، ازدواج با اتباع و بدون شناسنامه‌ها جایی در آمار ندارند

نیلوفر حامـدی: چهار تولد برای مادران ۱۰سـاله، ۱۷ تولد برای مادران ۱۱ساله، ۵۰ تولد برای مادران ۱۲سـاله، ۲۷۵ تولد برای مادران ۱۳ساله و هـزارو ۲۸۹ تولـد برای مادران ۱۴سـاله؛ این آماری بـود که در آغاز دهه ۹۰ شمسی ایران ثبت شـد؛ آماری از تعداد دخترانی که هنوز وارد نوجوانی نشده، مادر شـده‌اند. رقمی که آن روزها شاید در مقابل بیش از یـک میلیون نوزادی که از مادران ۲۰ تا ۳۴سـاله متولد شـده بودند، چندان به چشـم نمی‌آمد. حالا و تنها چند ماه مانده به آغاز قرن جدید، کودک‌همسـری نه‌تنها هنوز در بن‌بسـت مانده، بلکه کودک‌مادری هم به‌عنوان معضلی جدی پیش‌روی همه قرار گرفته است.

طبق آمار اولیه شـمار موالید امسال که از سوی سازمان ثبت احوال کشور منتشر شده است، از ۳۰ اسفند ۹۹ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۰، یعنی در حدود شش ماه، ۷۹۱ کودک از مادران ۱۰ تا ۱۴سـاله متولد شده‌اند؛ آماری رسمی که موالید حاصل از ازدواج‌های غیررسـمی، ازدواج بـا اتباع بدون هویت و همچنین بدون شناسـنامه‌ها جایی در آن ندارد. درسـت مثل «مینا»؛ فقط ۱۴ سـال داشـت وقتی گفتند از این به بعد شوهر داری. به او گوشزد شده بود دیگر زن یک خانه اسـت و باید زن خوبی باشـد. اتفاقا عروسـی را هم دوست داشـت، اما بعد از آن شب دیگر هیچ چیزی را دوست نداشت. اولین شبی که بوی یک مرد را شـناخت از خودش هم متنفر شد. شکمش که بالا آمد، فهمیـد علاوه بر زن شـوهردار بودن حالا باید مادری کنـد؛ یعنی قرار بود کسـی او را «مامان» صدا بزند؟ عبارت غریبی بـه گوش‌هایش می‌آمد. او دلش برای خاله‌بازی با بچه‌های همسـایه تنگ شـده بود، اما صدای گریه نوزاد نمی‌گذاشـت به چیز دیگری فکر کند. او خودش را هم گم کرده بود، امـا به خودش قول داده بود اجازه نمی‌دهـد فرزندش بدون هویت بزرگ شود: «شـوهرم که ما را گذاشـت و رفت، برای مدتی از این خانه به خانه در رفت‌وآمد بودم. بعد از زایمان کمردرد شـدید گرفتـم. بعدها فهمیدم کم‌خونی حاد هم دارم. اما خدا پدرشـان را بیامرزد که در یک خانه امن به ما جا دادند و کارهای شناسنامه را هم پیگیری کردند. اندازه یک مادربزرگ قرص و دارو می‌خورم، اما حداقل شـاید فرزندم شـانس بهتری نسبت به من داشته باشد».

بهار؛ بارداری در ۱۳سالگی

حالا دیگـر برنامه خـودش را دارد. صبح‌ها که بیدار می‌شـود اول درس می‌خوانـد و بلافاصله سـراغ نقاشـی مـی‌رود. هیچ‌وقـت نفهمیده بود این‌قدر نقاشـی‌کردن را دوست دارد؛ آخر فرصتش را نداشت. فقط ۱۲ سال داشـت وقتی به خانه شـوهر رفت. سـه بار زایید، اما هر بار نوزاد مرده به دنیا می‌آمد. آخر هم شـوهر رهایش کرد و رفت. پدر دوباره شوهرش داد، امـا مددکاران خانه امنی که «بهار» بـه آن پناه برده بود، تعریف کردند این دختر چگونه از خانه شـوهر دوم فرار کـرد، روزها آواره ماند و در نهایت با حجم بالایی از بیماری‌های جسـمی، مشکلات روان، حملات شدید عصبی و افکار خودکشـی به آنجا رسـید: «اوایل به‌سـختی حرف می‌زد، حالا اما هر روز بهتر می‌شـود. کلاس ششـم را می‌خواند و بیشتر از هر کار دیگری نقاشی می‌کشد».

سارا؛ بارداری در ۱۵سالگی

«سارا» هم در ۱۵سالگی و به اجبار به عقد پسرعمه‌اش درآمد. بچه‌دار که شد، فهمیدند نوزاد کم‌توان ذهنی است. مشخص نشد برای ازدواج فامیلی بود یا چه. شـوهر معتاد به شیشه‌اش، جز کتک، تهدید و دعوا چیز دیگری برایش نداشـت. حتی ایـن روزها که او دیگر از خانـه گریخته و به یکی از خانه‌های امن پناه برده هم باز از سوی شوهرش تهدید می‌شود.

مهدیه؛ بارداری در ۱۲سالگی

فاصله سـنی «مهدیه» با دختر بزرگش تنها ۱۲ سال است. دوستش دارد، اما خودش را سـرزنش می‌کند. حالا که دیگر خودش دختربچه آن روزها نیست، ۲۵ سالش شده و در کارگاهی فرش می‌بافد. حالا که به‌جز «سما»، یک دختر و یک پسـر دیگر هم دارد و زندگی‌شـان هرچند سخت اما به هر حـال می‌گذرد، در دلش غمی عمیق دارد: «هیچی بلد نبودم. به بچه‌ام بد کردم. هیچ‌وقت شب‌هایی که گریه می‌کرد و من حتی نمی‌تونستم بغلش کنم رو یادم نمی‌ره».

بدنی که خودش رشد نکرده، چطور می‌تواند میزبان یک جنین شود؟

مهدیه، سـارا، مینا و بهار هم کودک‌همسری و هم کودک‌مادری را تجربه کرده‌اند و تازه شاید در میان هزاران تجربه تلخ، خوش‌شانس بودند که این روزها زندگی برایشـان در مسیر سالم‌تری پیش می‌رود؛ اما ۱۰ تا ۱۴سالگی که براسـاس جدول رشد بدن انسـان، مهم‌ترین بازه رشـدی دختران به حسـاب می‌آید، آیا زمان مناسبی برای بارداری‌شدن اسـت؟ این سؤال را از دکتـر خدیجه آبادیان، دکترای تخصصی سـلامت بـاروری و عضو هیئت

علمی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود پرسیدیم: «به لحاظ پزشکی دختران ۱۰ تا ۱۴ سال در سن رشد قرار دارند. به‌همین‌دلیل هم حضور در سن رشد به این معنی اسـت که بلوغ جسـمانی آنها هنوز کامل نشده است. بلوغ تکمیل‌نشـده در واقع نشـان می‌دهد که بدن فرد هنوز در ابعاد مختلف فیزیکی نیازمندی‌هایی دارد که ابتدا آنها باید برطرف شده باشد. این نیازها می‌تواند از نظر تغذیه باشـد. به طور مثال بدنی که هنوز در روند رشد قرار دارد، باید از نظر تغذیه تکمیل شـود تا بتواند وارد فاز بعدی رشد شود. در این سـن هنوز استخوان‌ها رشدشان کامل نشـده است. همچنین عضلات در مسـیر رشـد خود قرار دارند؛ اما این رشـد به فلات خود نرسیده است. اگرچه این بازه سـنی برای تکمیل رشد فیزیکی می‌تواند براساس نژادها و قومیت‌های مختلف تفاوت‌های اندکی هم داشـته باشد؛ اما به طور کلی این بازه سـنی رشـد دختران به حسـاب می‌آید که آنها در سن کودکی و نوجوانی قرار دارند».

به گفته آبادیان بدن یک دختر در این سـن در برایند بـارداری قرار نگرفته اسـت: «حالا شـما تصور کنید بدنی که هنوز رشـد ارگان‌هایش به اتمام نرسـیده، قرار باشد میزبان یک جنین دیگر شود. نه‌تنها در فاز بارداری بلکه این کودکان به واسـطه اینکه هنوز دسـتگاه تولید مثل بالغی ندارند، برای نزدیکی و هم‌بسترشـدن هم شـرایط زنی که این دوران سـنی را گذرانده، ندارنـد. در نتیجه برایند باروری در شـرایطی رخ می‌دهد که حتی سـیکل تخم‌گذاری هم درسـت نبوده و همین هم سبب اختلال برای افراد خواهد شد. پس ورود به عرصه باروری باید در زمانی باشد که ارگان‌های مرتبط با باروری هم رشد کرده باشند و سیستم هورمونال بدن یک مادر تکمیل شده باشد».حالا و با این شـرایطی که از نظر علمی ما می‌دانیم که دختران بین بازه سـنی ۱۰ تا ۱۴ سـال تا چه اندازه از برایند باردارشدن از نظر جسمانی فاصله دارند، آیا این دختر که هنوز بدنش رشد کاملی نکرده است، توانایی بـاروری دارد و می‌تواند میزبان یک موجود دیگر باشـد که لازم اسـت آن موجود از بدن همین زن تغذیه کند؟ این متخصص سلامت باروری این‌طور پاسـخ می‌دهد: «در بازه سـنی که هنوز غدد تیروئید، غدد نواحی تناسلی، تخمدان‌ها و سـایر ارگان‌ها در مسیر رشد قرار دارند و برای رسیدن به فلات رشد باید درسـت تغذیه شـوند، ناگهان یک کودک در شرایط بارداری قرار می‌گیرد. همین‌جاسـت که ما با انواع مشـکلات مرتبط با فقر آهن، کمبود کلسیم و ناقص‌ماندن رشد استخوان‌ها در این کودکان مواجه می‌شویم».

به گفته دکتـر آبادیان ابعاد روانی‌ای که دختران با بارداری در این سـن با آن روبه‌رو می‌شوند، خود فصلی جداگانه از تبعات جسمانی است: «وقتی زنان برای مشاوره‌های مربوط به بارداری به ما مراجعه می‌کنند، ما همیشه می‌گوییم بهتر اسـت ابتدا بدن شما رصد شود، سپس اقدام به باردارشدن بکنید. با این روش مشـخص می‌شود که بدن یک زن چه کمبودهایی دارد. متخصصـان برای این کمبودها مکمل می‌نویسـند و پس از مدتی بدن زن آماده میزبانی از جنین خواهد شـد؛ اما در کودکانی که در سن پایین ازدواج کرده و سـپس باردار می‌شوند، هیچ‌کدام از این مشـاوره‌های بارداری هم رخ نمی‌دهـد. ضمن اینکه این موارد برای کودکان و نوجوانان پسـری که وارد ازدواج می‌شـوند، وجود دارد. بدن آنها هم رشدش تکمیل نشده؛ اما تأکید بر دختران به این واسطه است که فرایند بارداری در بدن رخ می‌دهد. پس تبعات بیشـتری هم متحمل می‌شـود. ضمن اینکه همه این مواردی که به آن اشـاره شـد، از ابعاد فیزیکی اسـت. بعد روانی را یک متخصص روان‌شناسـی و روان‌پزشکی باید بررسی کند که روان و ذهن یک دختربچه ۱۰ تا ۱۴ سـاله تا چه اندازه آماده مادرشدن است. دختری که خودش هنوز مرحله کودکی برای پدر و مادر خودش را هم پشـت سـر نگذاشته است». این عضو هیئت‌علمی دانشـگاه معتقد اسـت برای اظهارنظر درباره ایجاد تبعات بارداری در سـن کم روی نوزاد، نیازمند تحقیق و پژوهش هسـتیم: «بـرای اینکه بگوییم نوزاد به دنیا آمده در این شـرایط آیا مشـخصا دچار مسئله‌ای خواهد شد یا نه، نیازمند بررسی علمی دقیق هستیم اما می‌توان گفت که ممکن اسـت تبعات ناشی از شرایط درحال رشد مادر را جنین نیز متحمل شود».

کم‌کاری مرکز باعث قربانی شدن مناطق کم‌برخوردار می‌شود

مطابق با آمار اولیه شـمار موالید سـال ۱۴۰۰ (برحسب سن مادر در زمان تولد) که از سـوی سازمان ثبت‌احوال کشـور منتشر شده، در شش‌ماه و ۱۶ روز نخست سال ۱۴۰۰، تعداد ۷۹۱ کودک از مادران ۱۰ تا ساله متولد شده‌اند و به گفته سازمان ثبت‌احوال کشور این ارقام آمارهای اولیه هستند و ممکن است در بازبینی‌های آتی تغییر کنند.

با توجه به اینکه این آمار برحسب گروه سنی مادر در زمان تولد و به تفکیک جنسیت فرزند و استان منتشر شده است، تاکنون سیستان‌وبلوچستان با تولد ۱۲۷ پسـر و ۱۲۱ دختر از مادران ۱۰ تا ۱۴ سـاله در سـال ۱۴۰۰ در صدر این آمار قرار دارد. پس از سیستان‌وبلوچسـتان، به ترتیب خوزستان با تولد ۴۸ پسـر و ۴۴ دختر، خراسـان رضوی با تولد ۳۶ پسـر و ۲۹ دختر، گلستان با تولد ۲۵ پسـر و ۲۱ دختـر، کرمان با تولد ۲۳ پسـر و ۲۲ دختر و آذربایجان شـرقی با تولد ۲۵ پسر و ۱۰ دختر در صدر آمار کودکان متولدشده از مادران ۱۰ تا ۱۴ سـاله قرار دارند. در این بین اما خراسـان جنوبی با تولد یک پسر، کهگیلویه‌وبویراحمد و قم هرکدام با تولد یک دختر و ایلام با تولد دو دختر اسـتان‌هایی هسـتند که کمترین کودکان از مادران ۱۰ تا ۱۴ سـاله در آنجا متولد شده‌اند.

همچنین در همین بازه زمانی (از ۳۰ اسـفند ۹۹ تا ۱۶ مهر ۱۴۰۰) تعداد ۳۶ هزار و ۵۶۲ کودک از مادران ۱۵ تا ۱۹ ساله متولد شده‌اند که از این تعداد ۱۸ هزار و ۹۲۲ کودک پسر و ۱۷ هزار و ۶۴۰ کودک نیز دختر هستند.

سیستان‌وبلوچستان که یکی از کم‌برخوردارترین استان‌های کشور محسوب می‌شود، در این آسـیب اجتماعی هم جلودار است. سعیده خاشی، فعال زنان ساکن این استان در گفت‌وگو با «شرق» اما بر این تأکید می‌کند که آمار واقعی کودک‌همسری از عددهای رسـمی که اعلام می‌شود، بیشتر است: «کودک‌همسـری قدمت چندین دهـه‌ای دارد و تنها برای امـروز و دیروز نیسـت که ما با این بحران روبه‌رو هسـتیم. اما متأسفانه این آمار روزبه‌روز درحال افزایش اسـت و نکته مهم اینکه عدد واقعی دسـت‌کم در مناطق کم‌برخورداری چون اسـتان ما از آمار رسمی اعلام‌شـده بیشتر است. چرا این را می‌گوییم؟ به خاطر اینکه ما در اینجا ازدواج‌های ثبت‌نشـده بسیاری داریم که اساسـا در سرشـماری‌ها جایی ندارند. بسـیاری از بارداری‌ها در خانواده‌هایی اتفاق می‌افتد که مادر و پدر شناسنامه‌ای ندارند».

نتیجه آن شد که تبعات کودک‌همسری، حالا تبدیل به تبعات کودک‌مادری شده است: «۱۲ سال اسـت که در این حوزه فعالیت می‌کنم. هر چندوقت یک‌بار اقداماتی شـد اما هیچ‌وقت تداوم نداشت. با اینکه جامعه به سمت پیشرفت حرکت می‌کند اما ما با این بحران بزرگ روبه‌رو هستیم و حالا هم که دیگر تبعات کودک‌همسـری تبدیل به بحران کودک‌مادری شـده است. دختران کم‌سن‌وسالی که یا به جبر طایفه یا خانواده ازدواج کرده و بچه‌دار شـده‌اند و حالا باید با انـواع بیماری‌های مقاربتـی، عفونت‌های داخلی، کم‌خونی و... دست‌وپنجه نرم کنند. کودکانی که در زمان بازی و مدرسه به سر می‌برند، دیگر مادر شده‌اند».

افزایش مشـکلات اقتصادی از جمله مواردی اسـت که از نظر خاشـی بر ایـن معضل می‌افزاید: «بیش از ۴۰ درصد مردم زاهدان در حاشـیه شـهر زندگی می‌کنند. تورم، تحریم، سیاسـت‌های غلط اقتصادی و در دو سـال اخیر هم ویروس کرونا مردم را فقیرتر از گذشته کرده است. به همین دلیل خانواده‌هایی که برای زنده‌ماندن مجبور می‌شـوند دخترشان را به مردی با سن بالاتر و پول بیشتر بدهند هم افزایش پیدا کرده است».

شرایط اما زمانی وخیم‌تر می‌شود که آسیب‌های اجتماعی دست به دست هم می‌دهند: «کودک‌همسـری خود انواع مختلفی دارد. یک زمانی است که دختر و پسری در سـن کودکی به عقد یکدیگر درمی‌آیند. دیگری زمانی است که دختربچه‌ای را به مردی می‌دهند که گاه هم‌سن پدر یا پدربزرگش اسـت. اما در سـال‌های اخیر ما شـاهد تعدد زوجات در کودک‌همسـری هسـتیم. یعنی مردی که برای بار چندم می‌خواهد ازدواج کند و سراغ یک دختربچه می‌رود. حالا شـما ازدواج با اتباع، ازدواج ثبت‌نشـده و ازدواج بدون شناسنامه‌ها را هم اضافه کنید. اما حتی برای احصای این آسیب‌های اجتماعی هم در کشـور سرمایه‌گذاری درستی نشده است؛ چه رسد به حل آن. سیاسـت‌هایی که باید در مرکز طرح‌ریزی شـود اما کسی حواسش به آن نیسـت و در نتیجه همـواره جوامع کمتر برخوردار هسـتند که قربانی می‌شوند».

بازهم مرگ دسته‌جمعی فوک‌های خزری بر اثر موج انفجار ناشی از مانور نظامی

دولت ایران سراغ فوک‌های خزری را از جمهوری آذربایجان می‌گیرد؟

زینب رحیمی: از پیداشدن اولین لاشه‌های فوک خزری در سـواحل ایران ۲۶ روز می‌گذرد؛ حدود ۱۰ روز بعد از آغاز رزمایش مشـترک نظامی ترکیـه و جمهوری آذربایجان در آب‌هـای دریای خـزر. دلیل مرگ فـوک خزری، تنها پسـتاندار دریای خـزر، هنوز به‌طور قطعی مشـخص نشده و بررسی‌های سـازمان دامپزشکی ایران دراین‌باره همچنان ادامه دارد اما تاکنون بیماری «آنفلوانزای فوق حاد پرندگان» از لیست احتمالا حذف شده و گزینه مرگ بر اثر موج انفجار ناشـی از فعالیـت نظامی مهم‌ترین گزینه روی میز اسـت. تاکنون لاشـه ۲۰ فوک خزری در سواحل ایران پیدا شده که بنا به گفته امیر صیادشیرازی، مدیر مرکز حفاظت از فوک خزری، شواهد نشان می‌دهد که برگزاری مانور نظامی ازسـوی ترکیه و آذربایجان در آب‌های خزر عامل مرگ ناگهانی فوک‌های خزری است. او به «شرق» می‌گوید: بیشتر لاشه‌ها نر هستند و در رنج سـنی بین ۱۵ تا ۲۰ سـال قرار دارند که همین دو نکته احتمـال مرگ بر اثر تنش‌های ناشـی از مانور نظامی را قوی‌تر می‌کند. چون در رفتارشناسی پستانداران دریایی، ازجمله فوک‌های خزری، این عادت مشـاهده شـده که اگر در ساحلی غذا محدود باشـد افراد بزرگسال و غالبا نـر آنجا را ترک می‌کنند تا غـذای محدود موجود در آن ساحل برای بقیه افراد گله بماند و خودشان در ساحلی دیگر دنبال غذا می‌گردند. براساس این فرضیه احتمالی، شـاید لاشـه‌های پیداشـده فوک‌هایی بوده‌اند که برای پیداکردن غذا به سـواحل آذربایجان رفته بودند. تاکنون از بین ۲۰ لاشـه پیداشـده، ۱۸ تای آن نر و تنها دو مورد ماده بوده‌اند. از سوی دیگر، وجود چربی زیاد زیر پوست لاشه‌های پیداشده ثابت می‌کند که آنها دچار بیماری یا ضعف ناشی از آن نبوده‌اند چون فوک‌های بیمار معمولا برای زنده‌ماندن از ذخیره چربی زیر پوستشـان استفاده می‌کنند. در لاشه‌های پیداشده در سواحل ایران فوک‌ها چربـی زیادی دارند کـه احتمال مرگ بر اثـر بیماری را پایین می‌آورد. به احتمال قوی مرگ لاشـه‌ها به‌یکباره و ناگهانی و براثر انفجار بوده است. صیادشیرازی در پاسخ به این پرسـش که آیا در سواحل بقیه کشورهای حاشیه خزر هم لاشه فوک خزری مشاهده شده است؟ با اشاره به اینکه کارشناسان کشورهای حاشیه دریای خزر و افراد فعال در حـوزه حفاظت فوک خزری با هـم در ارتباط هسـتند، می‌گوید: از کارشناسـان جمهوری آذربایجان خواهش کردیم که اگر موردی را مشاهده کردند، گزارش دهند. همچنین وقتی در گروه هم‌اندیشـی کارشناسان کشورهای حاشیه خزر، احتمال مرگ لاشه‌ها بر اثر مانور نظامی مطرح شد، متخصصان کشور آذربایجان سکوت کردند. درحالی‌که این موضوع باید جدا از مسائل سیاسی به‌طور علمی بررسـی شـود. مدیر مرکز حفاظت فوک خزری در ادامه با بیان اینکه لیسـت تعداد لاشـه‌های پیداشـده و محل دقیق مشاهده آنها به معاونت محیط زیست دریایی سـازمان حفاظت محیط زیست فرستاده شده است، می‌گوید: قرار شده معاونت دریایی با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران، بخواهد که مقامات جمهـوری آذربایجان دراین‌باره توضیـح دهند. هرچند بعیـد می‌دانم در شـرایط موجود، آذربایجان پاسـخی بـه این نامه بدهـد. فوک‌های خزری گونـه در معرض انقراض دریای خزر هسـتند که حدود ۷۰ هزار تا از آنها باقی مانده اسـت. آلودگی‌ها مهم‌تریـن عامل کاهش جمعیتی این گونه به شمار می‌آید؛ آلودگی‌های نفتی و گازی ناشـی از استخراج ازسوی پنج کشور حاشیه خزر، ورود فاضلاب‌های خانگی، صنعتی و کشـاورزی توسط همه کشورهای حاشـیه خزر از جمله ایران و همچنین شکار غیرقانونی برای گوشت، چربی و پوست به ویژه در کشور روسیه از جمله دلایلی است که فوک‌های خزری را در خطر انقراض کامل قرار داده اسـت. به‌گفته مدیر مرکز حفاظت فوک خزری کشـورهای حاشیه خزر هنوز نتواسـته‌اند برای حفاظت از اکوسیسـتم خزر از جمله فوک خـزری اقدام مشـترکی انجام دهند و متأسـفانه توافق‌نامه‌هـا روی کاغذ مانده اسـت. ناگفته نماند که گیرکـردن در تورهای ماهیگیری و یـا اصابت با پره‌های قایق‌هـا و همچنین صیـد ترال موقعیـت ناامنی را در دریای خزر برای فوک‌های خزری ایجاد کرده است. هفته پیش لاشـه دو فوک خزری در سـواحل ایران از جمله در میانکاله پیدا شـد. منطقه‌ای کـه گرچه جزء مناطق حفاظت‌شده محیط زیست است اما در عمل محل تردد ماهیگیران و تورهای پهن آنهاسـت. صیادشیرازی، مدیر مرکز حفاظت فوک خزری، دراین‌باره توضیح می‌دهد که بـا وجود ممنوعیت صید ماهی خاویاری، در شـش ماه سال تورهایی برای صید ماهی خاویار در سواحل خزر در ایران پهن است. متأسفانه فوک‌های خزری در این تورها می‌افتند خفه می‌شـوند. در میان همه عوامل مخرب، در سال‌های گذشـته مانورهای نظامی به عامل مهمی برای مرگ دسـته‌جمعی فوک‌های خزری تبدیل شـده است. چون پیداشدن لاشه‌های فوک‌های خزری موضوع تازه‌ای نیست زمستان ۱۳۹۹ هم در سواحل روسیه ۳۰۰ لاشه فوک خزری پیدا شد. همچنین پنج سال قبل آن هم در اتفاقی مشابه، در ساحل کشور روسیه لاشه فوک پیدا شده بود. حدس زده می‌شد که در هر دو مورد مانورهای نظامی و ارتعاشـات ناشـی از انفجار بمب و تسلیحات نظامـی عامل مرگ فوک‌ها بوده اما در هیچ‌یک از موارد دلیل مرگ فوک‌ها به‌طوررسـمی از سوی روسیه اعلام نشد.

باید تأکید شـود که چند سال پیش در بدن فوک‌های خزری اثراتی از مواد رادیواکتیو پیدا شـده بود که به نظر می‌رسید ریشه ماجرا به دوران قبل از فروپاشی شوروی برگردد. زمانی که شوروی سابق زباله‌های اتمی خود را در سواحل دریای خزر که بعدها جزء سواحل آذربایجان و قزاقستان شد، دپو می‌کرد.

همه اینها نشان می‌دهد؛ اولین‌بار نیست که فوک‌های خزری قربانی سیاسـت‌ورزی یا جنگ‌طلبی کشـورهای حاشیه دریای خزر می‌شوند. اولین‌بار نیست که نزاع‌های سیاسی میان کشورها محیط زیست و منابع طبیعی دنیا را تخریب کرده و به نابودی کشانده است.

ادامه از صفحه اول

تهدید اسرائیل تا چه حد جدی است؟

روز جمعـه ولادیمیر پوتین در دیدار پنج‌سـاعته با نفتالـی بنت دربـاره موضوعات مختلـف که احتمال می‌رود ایران در کانون آن قرار داشـته باشـد، گفت‌وگو کـرد. آگاهی ایران از نتیجه مذاکرات پوتین و بنت از آن جهت مهم اسـت که این ملاقات تنها چند روز پس از اوج‌گیری تهدید نظامی ایران از سـوی اسرائیل صورت گرفـت و همان‌طور که گفته شـد، احتمالا «مسـئله ایران» مهم‌ترین محور این رایزنی پنج‌ساعته دیپلماتیک بوده اسـت. ۴- اسـرائیل در تهاجم مستقیم هوایی به تأسیسـات هسته‌ای ایران، نیازمند توانایی فنی پیشرفته هوایی، امکانات گسترده لجستیکی و فضای امن در طی مسـیر طولانی تا اهداف خود در ایران اسـت. تا قبل از تحولات چند سـال اخیر و برقراری رابطه با کشورهای هم‌جـوار ایران و نزدیک‌شـدن به مرزهـای ایران، این رژیم فاقد چنین امکانی بود. روابط رسـمی اسـرائیل بـا امارات متحـده عربی و بحرین و تحـولات اخیر در مرزهای شمال شـرقی ایران و اوج‌گیری تنش تهران-باکو، امیدواری سـران رژیم صهیونیسـتی در استفاده از سـرزمین و امکانات این کشورها در رفع موانع مسیر طولانی دسترسـی به اهداف داخل ایران را بیشتر کرده اسـت؛ تحولی که قطعا از سـوی دستگاه‌های رسمی اطلاعاتی و نظامی کشـور به‌طور دائم در حال رصد و گزارش به تصمیم‌گیران کشـور است. شوربختانه باید اعتراف کرد تحولات چندساله گذشته در منطقه موجب شد کوه یخ روابط پنهان اعراب با اسرائیل بیرون آمده و روابط رسـمی آنها را با رژیم صهیونیستی رقم زند. این امکان در پرتو تحولات سیاسی ناشی از تنش بین ایران و همسایگان جنوبی رقم خورد و آمریکا و اسرائیل سوار بـر موج این اختلاف‌ها آن را در جهت پیشـبرد اهداف و اغراض سیاسـی خود مدیریت کردند؛ تحولی که به یقین در جهت خلاف منافع ایران و در راسـتای اهداف شـوم رژیمی اسـت که توانسـت بدون هزینه، در کنار مرزهای ایران خیمه زند. از این منظر، هرچند بازگشـت به شرایط قبل تقریبا محال می‌نماید، با وجود این کاهش تنش در مرزهـای جنوبی و همچنیـن مدیریت تنش اخیـر با آذربایجان می‌تواند در خنثی‌کردن اهداف رژیم صهیونیسـتی مؤثر و مفید واقع شود. ۵- واکنش ایران و نگرانی جامعه جهانی به شمول آمریکا و کشورهای منطقه از دیگر موانع اسرائیل است. هرچند درباره میزان آسیب واردشده به این رژیم نمی‌توان با اطمینان سخن گفت، ولی آنچه مسـلم اسـت، این است که رویارویی نظامی ایران و اسـرائیل با توجه به اینکه واکنش ایران قطعـا به تهاجم موشـکی خود و هم‌پیمانـان آن به اسـرائیل ختم نشـده و همان‌طور که ایران بارها بر آن تأکید کرده، شامل کشـورهایی خواهد شد که امکانات لازم برای این شـرارت را در اختیار رژیم صهیونیسـتی قرار دهند. چنین تحولی فاجعه بزرگـی را برای ایران، کشورهای منطقه و حتی جهان رقم خواهد زد؛ به‌ویژه اینکه رویارویی نظامی اسرائیل و ایران، لاجرم پای آمریکا را به این درگیری در حمایت از متحد خود خواهد کشاند؛ موضوعی که اسـرائیل به آن اطمینان داشته و یکی از دلایل «کری‌خوانی»های اخیر تل‌آویو اسـت. ۶- اینکه چگونه باید دندان طمع اسرائیل را کشید و توطئه‌های شرورانه علیه کشور را خنثی کرد، منطقی‌ترین سؤال در برابر واقعیت‌های موجود در منطقه و جهان اسـت. بر اساس اصل معروف در منطق «برهان خلف»، مخالفت شدید اسـرائیل با توافق هسته‌ای و عادی‌شدن حضور ایران در جهان، مهم‌ترین دلیل بر حقانیت دستیابی این رویکرد است. گفته می‌شود اسناد هسته‌ای سرقت‌شده از ایـران و بزرگ‌نمایی آن از سـوی نتانیاهو مهم‌ترین عامل در اتخـاذ تصمیم ترامپ در خروج از برجام بود. با وجود توصیف برجام در شعارهای تبلیغاتی انتخاباتی بـه «بدترین توافق»، ترامپ یک‌سـال‌ونیم پس از ورود به کاخ سفید آن را عملی کرد. او امیدوار بود که بتواند بـا توافق با ایران ضمن دهن‌کجی به سـلف خود، این دسـتاورد را به نام خود ثبت کنـد. اکنون نیز مهم‌ترین عامل برای برون‌رفت از شرایط وخیم اقتصادی که قطعا رژیم صهیونیسـتی و برخی کشورهای من